



انتلاف اصلاح طلبان و اصولگرایان معتدل

جواد هروی، سخنگوی حزب اعتدال و توسعه در گفت‌وگو با ایرنا در خصوص موضع انتخاباتی این حزب گفت: «موضع حزب اعتدال و توسعه هم‌چنان «مشارکت مدنی» است و با وجود اعتراض به رصلاحت‌ها، تنها راه برون‌رفت از مشکلات موجود را صندوق رأی می‌دانیم.» وی ادامه داد: «روند رصلاحت‌ها به گونه‌ای بوده که چپ‌نویس‌های انتخاباتی ما چه در تهران و چه در استان‌ها صدمه دیده، و ما منتظریم اعلام تأیید رصلاحت‌های جدید به نحوی باشد که بتوانیم به ترمیم لیست‌های خود در تهران و استان‌ها بپردازیم و بعد از آن می‌توان در مورد بحث ائتلاف هم سخن گفت.» سخنگوی حزب اعتدال و توسعه با تأکید بر اینکه موضع این حزب مشارکت مدنی است، گفت: «با برخی از گروه‌های اصولگرای معتدل و احزاب اصلاح طلب گفت‌وگوهایی داشته‌ایم تا از نیروهای اعتدالی آنها در لیست خود استفاده کنیم.»



افزایش معنادار رای سفید

محمدعلی ایازی، عضو مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم در گفت‌وگو با ایلنا در پاسخ به این سوال که آیا چهار راهبردی در باره انتخابات عملی شده است؟ گفت: «داوری نخبگان این نیست و فکر می‌کنم مسئولین هم می‌دانند رقابتی در این انتخابات انطور که انتظار بود نیست، روندها هم در جهت مشارکت حداکثری نیست و آن اعتماد لازم مدنظر افکار عمومی از دستگاه اجرایی و نظارتی شکل نگرفته است.» وی ادامه داد: «یعنی افکار عمومی امروز در مورد انتخابات چه می‌گوید؟ یعنی واقعاً می‌گویند رقابت خوب است؟ مشارکت کافی است؟ افکار عمومی چنین داوری‌ای ندارد.» ایازی تأکید کرد: «متأسفانه در این دو، سه دوره انتخابات اخیر، آمار رأی‌های سفید خیلی زیاد شده است و خود این رأی سفید بودن معنا دارد. معنای آن این است که فردی که بخواهند انتخاب کنند، وجود ندارد. ولی از آن طرف هم به دلایل مختلف تصور می‌کنند که در این انتخابات شرکت کنند. با اینکه آرا پایین است اما در عین حال الزاماً به این معنا نیست که بخواهند به کسی رأی بدهند.»



نقش جبهه انقلاب در لایحه حجاب

صادق محصولی، دبیرکل جبهه پایداری در نشست داخلی اعلام موجودیت سازمان جوانان این جبهه در پاسخ به این سوال که برای مسئله حجاب و آموزش و پرورش و مشکلات متناظره جامعه جبهه پایداری چه برنامه‌ای دارد؟ گفت: «جبهه انقلاب باید نامزدهایی انتخاب کند که تمامی ارکان شریعت را پاسداری کنند و حجاب یک از مهمترین ضروریات اسلام است. لایحه حجاب که پیگیری شد از کارهای دوستان جبهه انقلاب در مجلس است.» وی در انتها در خصوص لیست مستقل یا مشترک جبهه پایداری در انتخابات پیش رو گفت: «چون شرایط فعلی یک ماه مانده، نمی‌شود دقیقاً در مورد وجود لیست واحد نظر داد البته ما خودمان را محدود نکردیم و با جریان‌های انقلابی گفت‌وگو می‌کنیم و ان‌شاءالله با توجه به شرایط ناظر بر فضای انتخابات تصمیم‌گیری می‌کنیم.»

سیاست‌ورزی در جامعه روحانیت مبارز

موسوی خویینی‌ها از ادامه فعالیت‌های سیاسی غافل نشد و پس از آزادی از زندان به همراه برخی از روحانیون و مبارزان در تهران از جمله بهشتی، مطهری، مفتاح، موسوی اردبیلی، عمید زنجانی، امامی کاشانی، ملکی، ناطق‌نوری، کروی، اکرمی، موحدی کرمانی، معادی‌خواه، حسن روحانی، ایروانی، رسولی‌محلانی، مروری و امام جمهرانی که در آن زمان هاشمی‌رفسنجانی در زندان بود و مهدوی کنی در تبعید، هسته اولیه «جامعه روحانیت مبارز» را در سال ۱۳۵۶ برپا کردند.

واکنش‌های سیاسی در آستانه انقلاب ایران

هفدهم دی‌ماه سال ۱۳۵۶ با انتشار مقاله‌ای با عنوان «استعمار سرخ و سیاه در ایران» در روزنامه اطلاعات صدای اعتراض جامعه روحانیت بلند شد. خویینی‌ها و ائمه جمعه تهران چند روز بعد با صدور اعلامیه‌ای نسبت به تعطیلی عمومی کسب‌وکارها به‌منظور تجلیل مقام روحانیت قدرانی کردند. خویینی‌ها و علمای تهران در فروردین‌ماه سال ۱۳۵۷ نیز در پی سلسله‌اتفاقاتی که از سال ۱۳۵۶ در کشور رخ داده بود، همچون قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶، کشتار مردم تبریز در چهل‌مین روز قیام در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶، کشتار مردم یزد در چهل‌مین روز بزرگداشت قیام تبریز در دهم فروردین ۱۳۵۷ با صدور اعلامیه دیگری از مشارکت، حضور و حمایت مردم قدرانی کردند. در خرداد ۱۳۵۷ موسوی خویینی‌ها به‌عنوان یکی از اعضای جامعه روحانیت مبارز، به اتفاق سایر اعضا با انتشار اعلامیه‌ای مشترک اعلام کردند که با توجه به قصد رژیم برای خلق پانزده خرداد دیگر، در سراسر ایران روز شنبه، ۱۵ خرداد ۱۳۵۷ مردم از خانه‌ها خارج نشوند تا نقشه رژیم خنثی شود. آتش‌سوزی در سینما رکس آبادان در مرداد ۱۳۵۷ و جمعه خویینی‌ها هفده شهریور ۱۳۵۷، دو اتفاق مهم دیگر در آستانه انقلاب ایران بود که در پی آن موسوی خویینی‌ها و جامعه روحانیت مبارز ۲۴ مهر آن سال را عزای عمومی اعلام کردند. خویینی‌ها پس از حضور امام در فرانسه به دعوت سیداحمد خمینی به فرانسه رفت و ماه‌های پایانی تا انقلاب ایران را در کنار امام حضور داشت و در نهایت در روز ۱۲ بهمن به همراه امام به ایران بازگشت. ارتباط نزدیک او با امام به حدی بود که در بازگشت از پاریس اموال او را نزد خود نگه داشت تا در صورت بازداشت امام اموالش در اختیار رژیم قرار نگیرد.

خویینی‌ها پس از انقلاب

زندگی خویینی‌ها بعد از انقلاب چندین نقطه عطف دارد. او پس از انقلاب به نمایندگی از امام خمینی به عضویت شورای سرپرستی صداوسیما درمی‌آید. پس از آن در آبان‌ماه سال ۱۳۵۸ در تسخیر سفارت آمریکا که همزمان لانه جاسوسی آمریکا لقب گرفت، کلیدی‌ترین نقش را ایفا کرد؛ نقشی که بعدها برخی مخالفان به جای پرداختن به اصل ماجرا به دو موضوع دیگر پرداختند؛ یکی مشورت نگرفتن از امام خمینی و دیگری انتشار اسناد به‌دست‌آمده از سفارت آمریکا. هرچند که در توضیحاتی که خویینی‌ها درباره تسخیر سفارت آمریکا داده است، از آمادگی برای توقف آن اقدام در صورت موافقت امام صحبت کرده است که اگر امام مخالف این حرکت بود و مخالفت صریح خود را اعلام می‌کرد، بلافاصله متوقف می‌شد. وی در گفت‌وگویی با روزنامه سلام در آبان‌ماه سال ۱۳۷۴ در توضیح مشورت با امام در زمان تسخیر سفارت آمریکا اینگونه توضیح می‌دهد: «برای دانشجویان که پیرو امام بودند بسیار اهمیت داشت که این حرکت آنان از نظر امام چگونه تفسیر می‌شد، آیا ایشان موافق اند یا مخالف. البته قطعاً می‌دانستند که دولت موقت مخالفت خواهد کرد و امام هم همواره به حمایت از دولت تأکید داشتند؛ لذا تردید داشتند که این حرکت از ناحیه حضرت امام خمینی مورد قبول باشد؛ لذا گروه اصلی که سه چهار نفر بودند با بنده مشورت کردند که این قضیه را به اطلاع حضرت امام برسانیم یا نه؟ بنده با اینکه این کار یعنی مشورت با حضرت امام انجام شود مخالفت کردم و خوب است برای نسل جدید هم توضیح بدهم که در آن موقع فکر کردم امام به‌عنوان رهبر انقلاب مسئول حوادث جاری کشور هستند و طبعاً با این کار مخالفت می‌کردند، اگر چه در واقع این کار را خوب بدانند و دلیل آن هم مسئولیت در برابر سایر دولت‌ها و مواردی از این قبیل است؛ بنابراین به این نتیجه رسیدم که امام را خیلی محدود نکنیم و مشورت با ایشان انجام نشود و این کار انجام گردد اگر امام مخالفت کردند خوب توبیح می‌کنند و دانشجویان هم از ادامه کار منصرف می‌شوند و در دنیا هم چنین مواردی مرسوم است که اتفاقاتی از این قبیل رخ دهد و جنبه دولتی هم ندارد و سپس با مداخله دولت یا عالی‌ترین مرجع موضوع تمام می‌شود.»

تحصیل در مسکو، شایعه یا واقعیت؟

یکی از اظهارنظرها درباره موسوی خویینی‌ها که او را به کمونیست‌ها و چپ‌ها پیوند می‌دهد، سفر او به شوروی و تحصیل در دانشگاه پاتریس لومومبای مسکو است که البته از سوی خویینی‌ها تکذیب می‌شود. وی در این باره در گفت‌وگو با ایسنا گفته است: «در سال‌های اخیر کتابی به نام شنود اشباح منتشر شد که در ارتباط با من یادداشت‌هایی را از مجلات خارجی جمع‌آوری کرده بود و مرا این طور معرفی کرد که یک عنصر وابسته به شوروی هستم، تحصیلاتم نیز در دانشگاه پاتریس لومومبا در مسکو بوده است. این کتاب این طور می‌خواهد القا کند که چون من از نزدیکان امام بودم، خواسته‌های شوروی را به امام القامی کردم. بنابراین آن حرکت‌های تند ضدآمریکایی امام القانات و زمینه‌سازی‌های شوروی بوده است که مهمترین عنصرش من بودم... حتی به خاطر دارم اولین سالی که بنده به عنوان امیر الحاج به مکه مشرف شدم، در تمام نشریات عربستان این مطالب را چاپ کردند که بگویند این کسی که آمده، مارکسیست است و وابسته به شوروی هست و اصلاً بزرگ‌شده مسکو است.» (ایسنا/آبان ۸۴) اما به‌رغم توضیحات واضح خویینی‌ها در این باره و اینکه کوچکترین احتمالی در این گونه‌مورد از سوی ساواک پیگیری و افشاگری می‌شد، کماکان عده‌ای همچنان درباره این موضوع تشکیک ایجاد می‌کنند. ریشه این تشکیک هم به تشابه اسمی یکی از فعالان چپ در ابتدای دهه ۲۰ بر می‌گردد.



ایه آن با اندیشه و رسوم حاکم بر زمان نزول برخورد داشته است. معنی ندارد کتابی هدایت، رحمت، رشد و کمال مردم را دنبال کند ولی با گمراهی و گمراه‌کنندگان و قساوت‌پیشگان و جهل و جاهلان درگیر نشود. پس درگیری را به‌عنوان اصل مسلم پذیرفتیم، بنابراین وقتی در کنار آیات جهاد و مسائل جدی زندگی، آیه‌ای مربوط به حیض و طلاق و... می‌آید در طرح کلی قرآن جهت خاصی را تعقیب می‌کند. به دنبال و ارتباط آن‌ها می‌رفتم. حتی نظر من این بود که: آیات منسوخ همه به یک معنی برای ما مفهوم زنده دارد و از این جهت منسوخ نمی‌باشند. البته آنچه را که گفتم هم ادعایش مشکل است و هم با نظریات بسیاری از مفسرین مخالف است و هم اثباتش کاری است سخت. در هر صورت من به‌عنوان یک روش تفسیری این طرح را دنبال می‌کردم. البته از مفسرین قدیم هم در این روش کمک می‌گرفتم. اما ویژگی سوم: اگر ارتباط و انسجامی بین آیات نباشد استدلال به مطالب قرآن ممکن نیست زیرا ممکن است مقدم و مؤخر شده باشد و در صدور و ذیل آیه قوانینی باشد که در فهم آن تأثیر داشته باشد. بله، به تک‌تک آیه‌ها و جدای از یکدیگر می‌توان استدلال کرد ولی این مخالف است با اطلاق [کتاب] بر آن. که الله تبارک و تعالی و به پیروی از دستورات او پیامبر و امامان [ع] آن را به این عنوان معرفی کرده‌اند. با این دید اصولی را تصور کردم به‌عنوان اصول تفسیری و در تلاش این بودم که: با تمسک به این اصول، قرآن را تفسیر کنم. احساس من این بود که آیات مفهوم زنده‌ای پیدا می‌کند. وقتی که به داستان حضرت موسی و کشتن گاو می‌رسیدم فکر می‌کردم این را باید از حالت داستان تاریخی که شباهت به افسانه دارد بیرون آورد. باید تحقیق کرد که چه فایده و نتیجه‌ای این داستان می‌تواند داشته باشد. قتلی واقع شده بود و قاتل هم معلوم نبود. قاتل را با زدن قسمتی از بدن یک گاو مخصوص به بدن مقتول پیدا کردند. باید به جست‌وجوی این پرداخت که در پشت ماجرا چه سری نهفته است و چه فایده‌ای برای ما دارد؟ احساس من این بود که اگر طرح جامعی را در قرآن پیدا نکنیم، داستان‌های قرآن حالت مرده‌ای پیدا خواهند کرد. البته بعضی از مفسرین در زمینه همین داستان توجیه‌هایی مانند نشان دادن قدرت خداوند... آورده‌اند ولی اینها قانع‌کننده نمی‌باشد.»

.....



روزی شهید دکتر بهشتی به من گفتند بعضی‌ها آمده‌اند نزد من و نسبت به بحث‌های تفسیری شما حرف‌هایی دارند و به قول ما طلبه‌ها «ان قلت» دارند. عرض کردم اشکالی ندارد. دستور بفرمایید نوارهای این بحث‌ها را بیاورند و جنابعالی گوش کنید. بعد، هر اشکالی به نظر تان رسید با هم صحبت می‌کنیم. بلافاصله ایشان با تأکید گفتند: نه، من اشکال ندارم، دیگران آمده‌اند و آن‌ها هم هیچ مطلب مستندی نگفته‌اند. من فقط خواستم این حرف‌ها را به اطلاع شما برسانم.»

موسوی خویینی‌ها همچنین درباره مواضع علی مطهری که در نامه‌ای مطرح می‌کند پدرش به طرح مباحث وی در مسجد جویستان مخالف بوده این گونه پاسخ می‌دهد: «بنده در آن سال‌ها که به تهران آمده بودم، با آقای مطهری و بهشتی ارتباط بسیار مصمیمانه‌ای داشتم و جلسات پیاپی هفته‌ای یا دوهفته‌ای میان ما برگزار می‌شدند. اصلاً در آن زمان نه آقای مطهری و نه آقای بهشتی به بنده نگفتند که مباحث تفسیری‌ام اشکال و انحراف دارد.» خویینی‌ها در گفت‌وگو با یکی از مجلات حوزه‌ای که در فروردین‌ماه سال ۱۳۶۹ منتشر شد، توضیح بیشتری درباره ویژگی تفسیرهای خود داده است: «به اعتقاد من تفسیر زنده‌ای بود و کمتر به جنبه تاریخی می‌پرداخت. در شکل ورود در بحث و برداشت‌ها، از متد خوبی بر خود را برداشتم. آرزو داشتم مجالی پیدا می‌شد که آن روش را ادامه می‌دادم.» خویینی‌ها همچنین درباره انتشار متن تفسیرها نیز توضیح داده است که همچنان و پس از گذشت چند دهه هنوز انتشار عید پیام نکرده است: «نوارهای تفسیر را پیاده کرده‌اند و برای تصحیح و چاپ ندم آورده‌اند، ولی تاکنون مجالی پیدا نشده است که برای چاپ آماده‌اش کنم. اگر این کار سامان بیاید، زویه جدیدی از متد تفسیر، باز می‌شود.» خویینی‌ها در ادامه گریزی به تفسیرهای خود در این مصاحبه دارد: «این تفسیر ویژگی‌هایی دارد بدین قرار: ۱. من در بحث تفسیر، به خلاف بسیاری از مفسرین، قرآن را مجموعه‌ای از آیات و مطالب پراکنده و بدون طرح مشخص نمی‌دانستم که این برخلاف ادعای قرآن و اعجاز بودن آن است. قرآنی که از لحاظ فصاحت و بلاغت و منطقی و برهانی بودن محتوا، معجزه جاویدالهی است، چگونه می‌شود مطالبش پراکنده باشد و بدون نظارت آورنده و راهنمایی فرستنده آن، به دست وی با سلیقه دیگران، تنظیم و گردآوری می‌شود؟ مؤلف عادی رضایت نمی‌دهد با کتابش اینگونه برخوردی شود، چه برسد به قرآن که کتاب هدایت بشر و رحمت برای جهانیان است. بدین خاطر معتقد بودم قرآن به دست توانای خود پیامبر جمع‌آوری شده است. همانطور که محتوا و کلمات آن اعجاز است تنظیم آیات و طرح کلی آن نیز، در اعجاز بودن قرآن دخیل است. در این راستا فکر می‌کردم که: در این تنظیم طرحی بوده است که باید آن را فهمید و اگر آن را بفهمیم آیات قرآن شاید معنای نوبی پیدا کرده و دریچه جدیدی از معارف و معانی قرآن بر ما گشوده شود. فکر می‌کردم که: این طرح در سوره حمد باشد. روایاتی که در فضایل سوره حمد آمده بود، مؤید این مطلب بود لذا تلاش زیادی در فهم این طرح داشت. ویژگی دیگر این بود که: من همانطور که قرآن اعراب آن زمان را به مبارزه فرا می‌خواند از لحاظ معنا نیز با نایبمانی‌های جامعه آن روز و خصالت‌های غیرالهی بر خود داشت. اصولاً دعوت همه انبیاء ناظر به وضعیت مردم زمان خودشان بوده است. چنین نبوده است که مردم به‌خوبی به زندگی خود مشغول باشند، پیامبری بیاید و مکتبی بیاورد زیرا در چنین فضایی دین مفهوم روشنی پیدا نمی‌کند. حتماً تضادهای نایبمانی‌هایی در درون آن جوامع بوده است که پیامبران برای حل آن‌ها ظهور می‌کرده‌اند و با ظلم و جهل به مبارزه برخاسته‌اند. لذا از بسم‌الله قرآن تا کوتاه‌ترین

.....